

حق مهر

مقدمه

مهریه به منظور ابراز اهمیت عقد ازدواج، اکرام و احترام به شخصیت زن و اظهار حسن نیت و صداقت مرد برای ازدواج با او و زمینه‌ای برای دوام معاشرت و زندگی زناشویی است نه بهای زن. شأن و شخصیت زن بسیار بالاتر از آن است که ب مال و مانند آن معامله شود. از این رو مهر دارای اهمیت ویژه در حیات اقتصادی زناها می‌باشد.

نتایج حقوقی عقد ازدواج:

بعد از این که عقد ازدواج با موجودیت تمام ارکان و شرایط آن منعقد گردد، یک سلسله آثار و نتایج حقوقی را به وجود می‌آورد. این آثار و نتایج حقوقی قسماً و جایب شوهر را در برابر زوجه در بر گرفته و برخی هم و جایب زوجه را در برابر شوهر احتوا کرده و بعضاً هم در بر گیرنده حقوق و جایب مشترک زوجین می‌باشد.

حقوق زوجه:

به صورت عموم زوجه در برابر شوهر خود از دو نوع حقوق برخوردار می‌باشد، که به نام های حقوق مالی و حقوق غیر مالی یاد می‌گردد. البته هدف از حقوق مالی زوجه عبارت از آن نوع حقوقی است که قابلیت تقویم یا تقدیر و سنجش به پول را داشته باشد، از قبیل حق نفقه، حق مهر، حق میراث و بر عکس، حقوق غیر مالی زوجه به آن نوع حقوقی گفته می‌شود که قابلیت تقویم، تقدیر و سنجش به پول را نداشته باشد از قبیل حق تمتع جنسی زوجه، برخورد نیک با زوجه توسط شوهر، رعایت عدالت در بین زوجات، حق عدم ممانعت زوجه از ملاقات با والدین توسط شوهر و مسابلی از این قبیل.

حقوق مالی زوجه:

به صورت عموم زوجه در برابر شوهر خود از سه نوع حقوق مالی برخوردار می‌شود. این حقوق عبارت اند از: حق مهر، حق نفقه و حق میراث. البته در مورد حق میراث زوجه باید گفت که زوج نیز در اموال زوجه متوفی خویش دارای حق میراث دانسته می‌شود. این موضوع از جمله حقوق مشترک زوجین می‌باشد که بعداً مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. فلذا موضوعات اساسی قابل بحث تحت عنوان حقوق مالی زوجه در این جا دو مطلب را احتوا می‌کند. این دو مطلب عبارت اند از حق مهر و حق نفقه که ذیلاً در مورد هر کدام با تفصیلات بیشتر روشنی انداخته می‌شود.

حق مهر زوجه:

مهر یک کلمه عربی است که در زبان فارسی بعضاً اصطلاح کابین بر آن اطلاق می‌گردد. کلمات مترادف مهر در زبان عربی نیز وجود دارد که مفهوم مهر را می‌رساند. این کلمات مترادف به نام صدق، فریضه، نخله و غیره استعمال شده است و آن عبارت از یک مقدار پول یا مالی است که از طرف زوج برای زوجه پرداخته می‌شود.

حد اعلی مهر:

علماً برای حد اعلی مهر کدام مقیاس معین راتعین ننموده اند.

حد ادنی مهر:

فقه‌های اسلامی در مورد حد ادنی مهر اختلاف نظر دارند، مهم ترین نظر ایشان را قرار زیر روشن می‌سازیم: به اساس نظریات مذهب حنفی حد اقل مهر 10 درهم شرعی و یا معادل آن می‌باشد. بر اساس نظر این مذهب اگر زوجین به مقدار کمتر از ده درهم شرعی یا معادل آن در مهر موافقه کرده باشند، زوجه 10 درهم و یا معادل آن را مستحق خواهد شد. البته نظر این مذهب مستند به این حدیث پیغمبر صلی الله علیه وسلم می‌باشد که فرموده است: ((لا مهر اقل من عشر دراهم)) یعنی کمتر از ده درهم شرعی مهر نیست.

شرایط مهر:

هدف از شرایط مهر عبارت از شرایط آن عده اشیا است که به طور مهر به زوجه پرداخته می‌شود. یا به عبارتی دیگر، مقصد از شرایط مهر عبارت از شرایط اشیا است که موضوع مهر را تشکیل می‌دهد. به صورت عموم مهر دارای چهار نوع شرایط می‌باشد که قرار زیر است:

- پاک بودن موضوع مهر و جایز بودن انتفاع از آن:

بر اساس این شرط اشیایی که موضوع مهر قرار می گیرد باید پاک بوده و جایز الانتفاع برای مسلمانان باشد . برعکس اشیایی نا پاک و یا غیر قابل انتفاع به حیث مهر قبول شده نمی تواند. مثلاً گوشت خوک ، شراب، حیوان خود مرده و هر آن چیزی که در نزد مسلمانان حرام باشد، به حیث موضوع مهر قرار گرفته نمی تواند.

- قابل تملک بودن موضوع مهر:

مطابق این شرط اشیایی که موضوع مهر را تشکیل می دهد ، باید قابلیت تملک را داشته باشد ، تا زوجه بتواند به آن دسترسی حاصل کند . بناً اشیایی که امکان دسترسی زوجه به آن وجود نداشته باشد به حیث موضوع مهر قرار گرفته نمی تواند.

- غیر مغصوبه بودن موضوع مهر:

با در نظر داشت این شرط اشیایی که به حیث موضوع مهر قرار می گیرد باید از جمله اموال غصب شده نباشد. بناً اشیایی که از جمله اموال غصب شده باشد ، موضوع مهر را تشکیل داده نمی تواند .

- معین بودن موضوع مهر:

بادر نظر داشت این شرط اشیایی که موضوع مهر را تشکیل می دهد، باید از حیث مقدار ، نوعیت ، جنسیت و سایر اوصاف حتی الامکان معین و مشخص بوده و جهالت فاحش در آن وجود نداشته باشد تا از این رهگذر بین طرفین کدام منازعه و مناقشه رخ ندهد ، اما اگر جهالت فاحش وجود داشته باشد مهر مثل بالای زوج لازم می گردد.

انواع مهر

مهر به صورت عموم به دو نوع می باشد که به نام های مهر مسمی و مهر مثل یاد می گردد که هر کدام از موضوعات فوق الذکر جداگانه مطالعه می شود :

مهر مسمی:

مهر مسمی عبارت از آن نوع مهری است که اندازه و مقدار آن با رضایت کامل طرفین و یا نمایندگان قانونی ایشان در هنگام انعقاد عقد ازدواج و یا احياناً بعد از آن تعیین و مشخص شده . یا به عبارۀ دیگر ، مهر مسمی بر آن نوع مهری اطلاق می گردد که طرفین در هنگام انعقاد عقد ازدواج و یا بعد از آن به ارتباط اندازه و مقدار آن توافق کرده باشند .

مهر مثل:

مهر مثل بر عکس مهر مسمی ، عبارت از آن نوع مهری است که در حین انعقاد عقد ازدواج اندازه و مقدار آن توسط طرفین ازدواج تعیین و مشخص نشده باشد؛ بلکه اندازه و مقدار آن بعد از انعقاد عقد ازدواج با در نظر داشت مماثلت زوجه با سایر زنانی که از فامیل پدری او باشند معین و مشخص می گردد. یا به عبارۀ دیگر، مهر مثل عبارت از مهر زنی است که با مهر زوجه از فامیل پدری اش مشابهت داشته باشد. مانند خواهر، عمه، دختر کاکا ، دختر برادر و غیره.

موارد سقوط مهر:

سقوط مهر به دو شکل مطرح بوده که به نامهای سقوط قسمی و سقوط کلی مهر یاد می گردد که هر کدام آن جداگانه توضیح می گردد.

1- سقوط قسمی مهر:

در صورتی که عقد ازدواج با رعایت تمام شرایط آن منعقد شده باشد ؛ ولی قبل از مباشرت جنسی و یا خلوت صحیحه تقریق میان زوجین بنا بر علتی که در جانب زوجه نهفته باشد صورت گیرد ؛ زوجه نصف مهر مسمی را مستحق گردیده و نصف دیگر از ذمه زوج ساقط می شود؛ که بدین ترتیب موضوع سقوط قسمی مهر مطرح می گردد .

چنانچه خداوند متعال در قرآن عظیم الشان می فرماید: (و ان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن و قد فرضتم لهن فریضه فنصف ما فرضتم ...) سوره بقره آیه 237 ترجمه: (اگر طلاق دادید ایشان را قبل از آن که تماس بگیریید با ایشان و هر آینه مقرر کرده باشید برای ایشان مهر را پس لازم است نصف آنچه که مقرر کرده اید (الایه)).

چنانچه از ترجمۀ آیه مبارکه فوق به وضوح دانسته می شود؛ اگر زوج، زوجه خویش را قبل از مباشرت حقیقی و یا حکمی طلاق دهد، بر زوج نصف مهر مسمی لازم می گردد و نصف دیگر آن از ذمه اوساقط می گردد.

2- سقوط کلی مهر:

به صورت عموم سقوط کلی مهر در دو حالت زیر مطرح بحث قرار گرفته می تواند:

حالت اول - در صورتی که تفریق میان زوجین در نتیجه خیار بلوغ و خیار افاقه واقع شده باشد:

به اساس تعالیم والای اسلام در صورتی که صغار و مجانین توسط اشخاص دیگر به نکاح داده شده باشند ، بعد از رسیدن به سن بلوغ و صحت یاب شدن از مرض جنون می توانند به محکمه مراجعه نمایند و از محکمه تقاضای انحلال عقد ازدواج را نمایند. در صورتی که محکمه مطالبه اشخاص فوق الذکر را مبنی بر انحلال روابط زوجیت تأیید نماید ، تفریق میان ایشان صورت می گیرد. در نتیجه این تفریق موضوع مهر کاملاً از ذمه شوهر سقوط کرده و مکلفیت زوج در زمینه پرداخت مهر از بین می رود. البته این تقاضا و مطالبه زمانی توسط محکمه پذیرفته شده می تواند که اشخاص فوق الذکر از یک طرف به مجرد رسیدن به سن بلوغ و صحت یاب شدن از جنون موضوع تفریق را مطرح نمایند و از جانب دیگر از دواج ایشان توسط اشخاص دیگر به جز از پدر و یا پدر کلان صورت گرفته باشد.

حالت دوم- در صورتی که تفریق میان زوجین قبل از مباشرت جنسی و یا حکمی بنا بر تقاضای زوجه صورت گرفته باشد:

در بعضی اوقات این امکان وجود دارد که تفریق میان زوجین بنا بر علتی که در جانب زوجه نهفته می باشد، صورت می گیرد. به طور مثال، زوجه از دین اسلام مرتد و یا این که از مسلمان شدن بعد از این که شوهرش به دین اسلام مشرف شده است ابا ورزد. در مثال های فوق الذکر موضوع مهر کاملاً از ذمه زوج سقوط می کند و مکلفیت او مبنی بر پرداخت مهر به زوجه از بین میرود؛ زیرا در موارد متذکره از یک طرف علت و سبب اساسی تفریق در جانب زوجه بوده و بدون این که زوج کوچکترین دخالتی داشته باشد؛ و از جانب دیگر حق تمتع جنسی شوهر بدون این که تحقق یابد کاملاً از بین می رود.